

به نام خدا

شهر سلطانیه از نظر جغرافیای تاریخی :

شهر سلطانیه در ۳۰ کیلو متری جنوب شرقی شهر زنجان و در ۵۴ کیلو متری ابهر قرار دارد. این محل طبق کتیبه هایی که از پادشاهان اشور به دست آمده در قرن هشتم قبل از میلاد محل سکونت طایفه جنگ اور ساکاراتی ها بوده و در عهد فرمانروایان ماد به اسم " اریباد " خوانده میشده است. و پارتها ان را به نام نخستین پادشاه خود " ارساس " نامیدند.

از تاریخ سلطانیه تا حمله مغول اطلاع دقیقی در دست نیست. لیکن لازم به تذکر است تا پیش از تسلط مغول سلطانیه به نام " نیزاگامبی " و " شرویز " معروف بوده است.

سلطانیه در دوره ایلخانان مغول :

حمد الله مستوفی مورخ نامی که در زمان سلطان محمد خدا بنده میزیسته است از سلطانیه چنین یاد کرده است:

(□ قبل از حمله مغول در سلطانیه فعلی هیچ گونه اثر ساختمانی نبوده و این ناحیه به شکل مرغزار و چمنزار بوده و سلاطین مغول پس از استقرار در ایران و پایتخت قرار دادن تبریز، برای شکار و گذراندن ایام تابستان بدان سو روانه میشدند به همین جهت این محل " قنقواولانگ " یا " به قولی " اقرئولن " یعنی چمنزار یا شکارگاه شاهین نامیده میشده است.)

کم کم پادشاهان بعدی در مکان مذکور تصمیم به ایجاد ساختمانهایی برای اسکان خویش و اطرافیان خویش گرفتند. این فکر در زمانی تقویت شد که ارغون خان پسر اباخان چهارمین ایلخان مغول بر اریکه سلطنت تکیه زد وی تصمیم گرفت که در محل فعلی سلطانیه که دشت وسیع و سرسبز بود شهری را بنا نماید. لذا دستور داد که قلعه ای که دور باروی آن ۱۲ هزار گام باشد از سنگ تراشیده بسازند وقتی پسرش غازان خان به پادشاهی رسید دستور داد تا بر قبر پدر آرامگاهی دوازده وجهی و از لحاظ معماری بس با شکوه بسازند.

نا گفته نماند که غازان خان ابتدا سعی به بازسازی بخش نیمه تمام کرد ولی بعدا بنا به عللی از انجام این کار انصراف حاصل کرد و تبریز را به پایتختی برگزید.

با به حکومت رسیدن اولجایتو در سال ۷۰۲ هجری وی تصمیم گرفت که به ارزی پدر جامه عمل بپوشاند به همین جهت دستور داد شهری بسازند که دور آن سی هزار گام باشد. قلعه کوچکتر به مساحت ۲۰۰۰ گام و به طول ۵۰۰ گز و شامل ۱۶ برج و یک دروازه ورودی بوده است.

سلطان ایلخانی پس از طرح شهر سلطانیه امر کرد که آرامگاهی با همان عظمت شب غازان خان برای وی بسازند.

حافظ ابرو به این نکته اشاره کرده است و چنین مینویسد :

(□ اولجایتو برای مدفن خود در اندرون قلعه عمارتی ساخته

است که آن را ابواب البر نام نهاده با گنبدی بزرگ که قطر آن ۶۰

گزار است و ارتفاع آن ۱۲ گز. چنانچه در اقصی بلاد عالم مثل آن

عمارتی نشان نمیدهند.)

نا گفته نماند که سلطان ایلخانی برای این کار تمام هنر مندان و صنعتگران و تجار ایران را به شهر سلطانیه کوچ داد و برای اسکان آنها جا و مکان مناسب ساخت لذا نام "قنقورلنگ" به "سلطانیه" یعنی محل شاهنشین تغییر یافت.

آنچه در شهر سازی سلطانیه جلب توجه میکند همکاری بزرگان و درباریان بوده است. چرا که سلطان خدابنده دستور داد تا هریک از بزرگان قوم و رجال برجسته محله ای که دارای مسجد، خانقاه، مدرسه، بیمارستان و مهمانسرا باشد به نام خود بسازند و این کار به سرعت صورت عمل به خود گرفت. اشراف برای جلب توجه شاه هر کدام محله ای به نام بنا کرده و عمارات عالی در آن ساختند و هر گونه وسایل رفاهی در آن فراهم نمودند. منجمله "چلبی اوغلو" که یکی از وزرای مغولی شاه بود محله ای در نزدیکی آرامگاه سلطان محمد خدا بنده در نظر گرفت.

از آنجا که سلطان محمد خدابنده مانند بسیاری از حکمرانان گذشته در ایجاد شهر عجله ای زیاد داشت به همین دلیل در بنای سلطانیه امکانات فراوانی ایجاد شد تا آنجا که شاه خودش موقتا زیر چادر مجللی به سر برد و انجام کارها و پیشرفت آن را مستقیما تحت نظارت قرار داد.

در سال ۷۱۰ هجری قمری کار ساختمانی شهر سلطانیه پایان گرفت و به این مناسبت سلطان مغول جشن مفصلی برپا کرد و این شهر را سلطانیه یا "سلطان چمان" یا "سلطان نشین" نامید. از این فرمان به بعد با توجه وافر که سلطان محمد خدابنده به پایتخت جدید خود مبذول داشت این شهر بعد از تبریز بزرگترین شهر امپراطوری وسیع ایلخانی گردید.

این پادشاه به سال ۷۱۶ هجری بعد از یک بیماری نسبتاً طولانی در گذشت و چون هنرمندان و صنعتگران که از نقاط گوناگون کشور به آنجا کوچ داده شده بودند باطنا ناراضی بودند بعد از مرگ اولجایتو شهر سلطانیه را ترک گفتند.

با مرگ سلطان محمد خدابنده و جانشین او "ابوسعید بهادر" در حقیقت سلطانیه نیز مرد. شهر از رونق افتاده بی مهری‌ها دید و رو به زوال رفت چرا که ابو سعید بهادر نتوانست قدرتی به خرج دهد و از زوال تدریجی پایتخت جلوگیری کند. به همین جهت وزیر ابو سعید بهادر به نام علیشاه که متوجه زوال شهر سلطانیه گردید در تبریز شروع به ایجاد ساختمانهای مجلل کرد. شاید علیشاه قصد داشته شهر با عظمت دیگری در مقابل سلطانیه بر پا سازد. که این منظور به زودی رنگی از واقعیت به خود گرفت و شهر تبریز بار دیگر رونق یافت. افول قدرت مغول رمق از سلطانیه گرفت و دیری نپایید که سلطنت به دست ال مظفر افتاد.

سلطانیه در دوره تیموریان:

با حملات متوالی خونخوار بزرگ امیر تیمور گورکانی در سال ۷۸۶ ضربه‌ای مهلک بر پیکر سلطانیه وارد آمد. این شهر از سکنه خالی گردید. بسیاری از ابنیه و آثار این شهر نابود شد. تنها یادگاری که ماند و باز مورد احترام قرار گرفت گنبد سلطانیه بود.

پس از تیمور میران شاه پسر وی حکومت را به دست گرفت. وی در صدد بر آمد در شهر سلطانیه بناهای عالی بسازد لیکن هنگامی که فهمید این کار زمان زیادی طول میکشد و تلاشهای او در برابر عظمت سلطانیه بیثمر است دستور خرابی آثار و ابنیه سلطانیه را صادر کرد. عده‌ایی نیز معتقد هستند که میران شاه به علت عارضه دیوانگی دستور ویرانی سلطانیه را داد.

"کلاویخو" سفیر هانری سوم پادشاه اسپانیا در دربار تیموری در بخارا که از سلطانیه دیدن کرده است وضع شهر را چنین توصیف میکند:

(□) شهر سلطانیه در دشتی واقع شده است و هیچ حصاری ندارد که در میان آن دژی بزرگ است که از سنگ ساخته اند و برجهای محکم دارد . برجها و دیوارهای آن با کاشیهای آبی آرایش شده و زیبا است . در هر یک از این برجها یک عراده کوچک توپ قرار دارد . سرانجام در نتیجه جنگی که بین قرايوسف و فرزند میرانشاه رخ داد شهر سلطانیه به کلی موجودیت سیاسی خود را از دست داد و تبریز دوباره جای آن را گرفت.

سلطانیه در دوره صفوی:

در زمان صفویه شهر سلطانیه هر چند از اهمیت سابق افتاده بود مع ذالک یکی از منارل معتبر بین راه تبریز محسوب میشد و بسیاری از عمارات قدیم به صورت نیمه مخروبه وجود داشته است. " پیتر دلاواله " سیاح ایتالیایی در اوایل قرن ۱۷ میلادی از سلطانیه بازدید نموده است از ویرانیهای سلطانیه در عهد صفوی سخن میگوید. :

(□) سلطانیه سابقا شهر بزرگی بوده ولی امروز خراب شده ، دیوار قسمت اعظم خانه ها نیز به ویرانی گراییده است به قسمی که اکنون در شهر تعداد زمینهای بایر که بر روی آن چادر زده شده است خیلی بیشتر از تعداد محدود خانه های مسکونی است.)

"د/م/اولاریوس" که در نیمه اول قرن ۱۷ از سلطانیه دیدن کرده بود در سفرنامه خود شرح کوتاهی در باره سلطانیه آورده است و مینویسد:

(□ این شهر به مناسبت ساختمانهای بلند برجها و ستونهای

بسیار از خارج زیبا به نظر میرسد.)

این مورخ تصویری از شهر سلطانیه تهیه کرده است که در آن ساختمانهای بلند را بسیار واضح نشان میدهد.

از طرف راست به چپ این بناها وجود دارند:

مسجدی که دو مناره آن دو طرف سردر آن واقع گردیده و بر همه شهر مسلط است. سپس یک مقبره استوانه ای که بر فراز آن گنبدی بیضی شکل هویدا است، در کنار آن دروازه ای ملاحظه میگردد که بر روی برجی با گنبدی مخروطی شکل تعبیه شده است. نزدیک این دروازه مسجدی با گنبدی بسیار زیبا مشاهده میشود. در وسط تصویر زیگوراتی عظیم ملاحظه میگردد و در کنار آن برجی استوانه ای که از آن بلندتر است از ابهت ارتفاعی آن کاسته است. بعد از یک ردیف ویلا و ساختمانهای ییلاقی مقبره سلطان محمد خدابنده با تمام ابهت خود نمودار میگردد.

شاردن و تاورنیه دو سیاح فوانسوی که در اواسط قرن ۱۷ از این شهر دیدن نموده اند ان را زیبا , اباد و مصفا یاد کرده اند.

سلطانیه اگرچه بر اثر از مرکزت افتادن و دگرگونیهای سیاسی و لشکر کشیهای متعدد ملوک و عوامل طبیعی مانند زمین لرزه و طوفانهای شدید به سرعت رو به زوال و ویرانی نهاد لیکن تا پایان دوران صفویه به صورت شهر کوچکی با نعمت فراوان و عمارات نیمه ویران اما با شکوه خود , جلوه ای داشته است.

سلطانیه در دوره قاجار:

در اوایل سلطنت سلسله قاجار آنچه از این شهر و بناهای رفیع ان از دستبرد عوامل ویران کننده طبیعی و دیگر عوامل بر جای ماند دچار هوسهای شاهانه فتحعلیشاه شد. در زمان جنگ ایران و روس سلطانیه محل تجمع قوای ایران بود. فتحعلیشاه که برای ترتیب سپاه در ایام تابستانی مدتی را در انجا گذراند و طول اقامتش به اندازه ای بود که دستور داد عمارتی از مصالح گنبد سلطانیه بر روی تپه های سلطانیه برای وی ساخته شود.

فعلا اثری از این بنا جز پی ها و قسمتی از اشیا مکشوفه چیزی وجود ندارد. به طور کلی میتوان گفت که سلطانیه بعد از دوره سلطنت سلطان محمد خدابنده , هرگز ان عظمت گذشته را نیافت. بناها ویران گشت . شهر باشکوهی که روزی پایتخت بزرگترین امپراطوری دنیا بود به ویرانی کشیده شد و امروز به صورت روستایی دیده میشود.

گنبد عظیم سلطانیه:

گنبد عظیم سلطانیه در حال حاضر در بین خانه های خشتی سلطانیه همچون نگینی میدرخشد. و گوشه اس از هنر و فرهنگ و معمای این مرزو بوم را یه نمایش میگذارد.

علت ایجاد گنبد سلطانیه:

در مورد علل ایجاد گنبد سلطانیه در تواریخ این چنین آمده است:

(□) اولجایتو پس از طرح طهر سلطانیه تصمیم گرفت که به تقلید از اراگاه برادرش غازان خان آرامگاه رفیعی برای خود بسازد. به همین جهت برای برپایی این آرامگاه از هرسو به سلطانیه آمدند تا یکی از بناهای بزرگ دوره مغول را بنا کنند. بنای گنبد سلطانیه در سال ۷۰۲ بر اساس طرح آرامگاه غازان خان که رد آن هم از بنای آرامگاه سلطان سنجر در مرو الهام گرفته شده بود ساخته شد. با این تفاوت که پلان آرامگاه سلطان سنجر مربع و پلان گنبد سلطانیه ۸ ضلعی است.)

اگرچه تا حد زیادی معماری آرامگاه سلطان سنجر در بنای سلطانیه تاثیر گذاشته بود لیکن جنبه های ابتکاری در بنای اخیر یه حدی است که آن را به صورت یکی از بناهای شاهکار معماری ایران در آورده است که بعدها به عنوان الگو و نمونه برای احداث تعداد زیادی از ابنیه این دوره شد.

معمار گنبد سلطانیه شخصی به نام سید علی شاه بوده است. ظاهرا هنگامی که اولجایتو امر به احداث آرامگاه خود کرد هنوز یکی از مذاهب اسلام را به عنوان دین و مذهب رسمی انتخاب نکرده بود و تقریبا در سال ۷۰۹ یعنی وقتی که کار ساختمانی گنبد سلطانیه بو به اتمام بود سفری به عراق نمود و تربت پاک امام حسین و حضرت علی در کربلا و نجف زیارت نمود. بنا به قولی بر اثر ترغیب و تشویق علما و روحانیون بزرگ شیعه که در آن زمان در دستگاه مملکتی دارای نفوذ بودند اولجایتو مذهب رسمی را تشیع اعلام کرد و بعد از مدتی اعلام کرد که آرامگاه خود را به ائمه اطهار اختصاص میدهد. بدین منظور قصد انتقال اجساد مطهر آنان را به سلطانیه داشت تا بر رونق اقتصادی و اهمیت این شهر اضافه کند لذا دستور داد تا تزئینات داخلی بنا را که تا آن روز انجام نگرفته بود طوری پردازند که در آن شعائر مذهب تشیع به خوبی مورد استفاده قرار گیرد. به همین جهت بود که کلمه علی به صورت مکرر با کاشی در متن آجر نوشته شد.

در همین اوان سلطنت محمد خدا بنده دستور ساختن آرامگاهی ساده برای خود در جنب گنبد اصلی را صادر کرد که به گفته مورخین این بنای آجری ظرف چند هفته

به اتمام رسید. اما انتقال اجساد مطهر ائمه اطهار به سلطانیه به خاطر انتقاد و مخالفت علمای شیعه با این عمل و □ انجام نگرفت.

بنابراین سلطان ایلخانی مصمم شد تا دوباره این بنا را به آراگاه خود اختصاص دهد و به نظر میرسد که در همین ایام از مذهب تشیع به مذهب تسنن گروید.

و شاید به همین منظور بود که دستور داد تمام تزئینات معرق کاری را که کلمه علی بر آن نقش بسته بود و تمام تزئینات آجری و گره سازی را با پوشش های گچ اندود کنند و روی آن پوشش را با کتیبه ها و اشکال مختلف گل و بوته دار بارنگ آبی بر زمینه سفید گجبری کردند. (حدود سال ۷۱۳ هـ ق).

اولجایتو در سال ۷۱۶ یعنی تقریباً ۴ سال بعد از اتمام بنا در سن ۳۶ سالگی درگذشت و جسد او در تابوتی از زر ناب در آرامگاه ابدی او دفن شد.

گنبد سلطانیه از دید سیاحان :

شهرت گنبد سلطانیه درادوار گوناگون به قدری عالم گیر شده بود که مورخین و سیاحان خارجی زیادی مانند کلاویخو، پیترو دلاواله سیاح معروف ایتالیایی، شاردن و □ از جهانگردان معروف را به عشق دیدن این بنای معظم به سلطانیه کشانید. توصیفاتى که سیاحان از گنبد سلطانیه نموده اند نشان دهنده عظمت و زیبایی ساختمان قبل از ویرانی بوده است.

به همین جهت برای این که از وضع بنا و تغییرات آن از ابتدا یعنی هنگامیکه اولین سیاح معروف از آن دیدن کرده تا امروز مطلع شویم از نظرات و مطالعات آنان سود میجوئیم .

پیترو دلاواله که در ابتدای قرن ۱۷ از سلطانیه دیدن کرده در مورد بنای گنبد سلطانیه چنین مینویسد :

(□ بزرگی مسجد متناسب و شکل آن ۸ گوش است بر بالای آن

گنبد متناسب و زیبایی قرار گرفته و در هر گوشه گنبد مناره ای

است. به نحوی که تعداد مناره ها به ۸ عدد میرسد و همه آنها از اجر

ساخته شده و داخل آن پلکانی است که تا نوک گلدسته ادامه دارد .

از این مناره ها برای اذان گفتن استفاده میکنند □ داخل گنبد و تمام

دیواره های داخلی مقبره منذهب کاری و به صورت بسیار ظریفی

کاشیکاری شده یعنی قطعات کوچک و ظریف کاشیهای طلایی و

رنگارنگ در داخل یکدیگر کار شده اند و باخط خاص که در مشرق

زمین مرسوم است با قطعات ریزکاشی که در داخل کاشیهای دیگر کار کرده اند، بر آنها مطالبی نوشته اند.

این طریقه تزئین بسیار جالب ولی کم دوام است. چنانکه از هم اکنون در معرض خرابی قرار گرفته است.

در بالای مسجد که معمولا ماران را به تربیون کلیسا اختصاص میدهیم زایده ای پیشرفته و در آنجا هشت گوش داخل به هم

خورده است و فضایی به وجود آمده که در وسط آن قبر سلطان قرار گرفته و پوشیده از پارچه های زربفت و ابریشمی است. در

آهنی مقبره از بالا به پایین طلا کاری و نقره کاری شده است. وزبایی و ظرافتی که در آن به کار رفته است بیش از قیمت این

فلزات اهمیت دارد.

آدام اولاریوس که درست ۳۵۰ قبل بنای سلطانیه را دیده است تصویر دقیقتری ارائه میدهد:

(□) زیباترین عمارت یا ساختمان مسجد بود که در آن سلطان

محمد خدا بنده مدفون است همه آنها ظریف ساخته شده و دارای

سردر بزرگ بود که از درهای کلیسای سنت مارک مرتفع تر میباشد.

اما این درها انجنان که دیگران نوشته اند از سنگ معدن نیست بلکه

از فولاد و آهن صیقلی ساخته شده است. طاق آن با سنگها لعابی

سفید و آبی که در آن کتیبه ای زیبا نقش شده و همه گونه زینت

گردیده ساخته شده است. این طاق مرتفع ساخته شده و در وسط

مانند برجی گرد هم آمده است.

در قسمت بالا و در داخل آن نرده فلزی دیده میشود اطراف خود

مقبره سلطان محمد خدا بنده را نیز یک نرده فلزی گرفته است این

نرده فلزی از بهترین کارهای فلزی شناخته میشود چنانکه به اندازه

یک بازو ضخامت دارد و از فولاد خالص هندی با چنان هنرمندی

استفاده شده است که نمیتوان هیچ درز و شکافی را در داخل آن

پیدا کرد. برجی که بر روی این ساختمان است ۸ گوش بوده و در بالا

به وسیله راهرویی احاطه شده بود. بر روی آن برج ۸ برج کوچک

مانند ستون تعبیه شده که هر کدام دارای پلکان مارپیچی بوده است.

دیولافو/ که در سال ۱۸۸۱ میلادی جهت بازدید از ابنیه قدیمی و تعیین ارتباط سبک معماری دوره های پیش از اسلام با دوره های اسلامی به ایران مسافرت نمود این بنا را اینچنین توصیف میکند:

(□) چندین بار وسعت و ارتفاع بنا را اندازه گرفتیم منتها الیه گنبد از سنگ فرش کف آن ۵۱ متر ارتفاع دارد عرض آن از هر طرف ۲۵/۵ متر میرسد. این بنا از اجرهای مربع ساخته شده اجرهای داخلی رنگ کرمی دارند. سکنه عقیده دارند که سفیدی و ظرافت این اجرها به این علت است که خاک را با شیر غزالان خمیر کرده اند.

هزاره های محرابها و سطح ستونها از کاشیهای موزائیک ستاره مانند محکوک پوشیده شده و از مینایی به رنگ ابی آسمانی ترصیع یافته و در روی زمینه ای از اجرهای سفید برجستگی و درخشندگی خاصی دارند. پوشش خارج گنبد از کاشیهای مینایی سفید و ابی تند تزئین شده اند. نقشه های قشنگ سقف گالریهای فوقانی بنا با مهارت مخصوص از الوان خاکستری تا قرمز عنابی رنگ آمیزی شده اند. اتصال دقیق کاشیهای براق و دلربای گیلویی ای مرصع و ریزه کاری سقف به گونه ای هستند که نمیتوان آن را تشریح و تجسم کرد □)

محمد حسن خان صنیع الدوله که در زمان ناصرالدین شاه از سلطانیه دیدن کرده گنبد سلطانیه را آرامگاه سلطان ایلخانی نمیداند و مینویسد :

(□) این که معروف است بنیان این جامع به جهت مدفن شاه خدابنده نهاده شده اشتباه محض است بلکه از اول این بنا برای مسجد جامع بوده و در حوالی آن گنبدی جدا به جهت مدفن شاه خدابنده ساخته شد که حال نیز باقی و برپا است و عوام آن را چهار سو میگویند □)

ضمناً صنایع الدوله شرحی کوتاه نیز از سفرنامه اولیاریوس در کتاب خود آورده است:
(□) با وجود این که گنبد سلطانیه در سالهای اخیر به صورت مخروبه ای در آمده و اعضای بیشماری از این ساختمان امروز ویران شده و با وجودی که زلزله شدید در سال ۱۸۸۱ میلادی بنیان واسکلت ان را لرزانده معهداً امروزه مانند کوه استوار و برای تمام باستانشناسان و معماران میتواند اثر جالب توحهی باشد.

بنای سلطانیه بر روی یک طرح ۸ ضلعی ساخته شده و ان چیزی که باعث پیچیدگی این مسئله گردیده الحاقاتی است که بعد از ان به این بنا اضافه شده است. از جمله بخش مثلثی ساختمانی در زوایای شمالی بنا که نمای شمالی را درازتر میکند. همچنین پلکانهای زوائد جنوب غربی و اتاق مقبره (تربت خانه) در سمت جنوب).

در باره ۸ ضلعی بودن بنای گنبد سلطانیه تا به حال نظریات متعددی ارائه شده است. عده ای انتخاب چند وجهی بودن بنا را به دلیل استحکام و ایستایی بنا دانسته اند. برخی دیگر کوشیده اند از ان نشانه ای مذهبی مانند اعداد ۷ و ۱۲ به دست دهند. اما آنچه مسلم است ۸ عدد مقدسی نیست و نمیتوان دلائل خاص مذهبی برای ان قائل شد. صرفاً انتخاب این طرح از روی محاسبات تجربه شده معماری و به خاطر مرکزیت و ایستایی و احتمالاً ایجاد ساعت افتابی در نظر گرفته شده است.

پلان داخلی بنا نیز ۸ ضلعی منتظم است که هر ضلع ان ۱۰/۳۰ متر میباشد. قطر داخلی بنا تقریباً ۲۶/۵ متر و فاصله بین دو وجه خارجی ان ۳۹/۵ متر میباشد. فاصله بین دو دیوار داخلی و خارجی یا به عبارت دیگر ضخامت بنا حدود ۷/۴۰ متر است. بر هر وجه داخلی یک ایوان قرار گرفته و بین هر دو ایوان جریز واقع شده است. بدین طریق بنا از ۸ جریز قطور تشکیل شده که از کف تا ارتفاع زیر گنبد امتداد دارد و در انجا به وسیله قوسهای ایوانها به هم متصل میگردد. با در نظر گرفتن ابعاد زیاد این جریزها که تقریباً ۵۰ متر مربع سطح هریک از آنها است چنین تصور میشود که شاید دورادور جریز اجری و وسط ان را با بلوکهای سنگی و اهکی پر کرده باشند. کاروتاژ ثابت کرده که دیوارها کلاً از اجر یک پارچه ساخته شده است بر روی پیههای جریزها

رگه هایی از سنگ صاف قرار دارد . سنگ مزبور در خارج بنا شامل دو ردیف است و لی در داخل ایوانها یک ردیف بیشتر نیست. جنس سنگ ماسه ای و سبز رنگ بوده و ارتفاع هر ردیف ۴۵ سانتیمتر است.

پلکانها :

در بین جرزهای ۸ گانه پلکانهای مارپیچی وجود دارد که طبقه زیرین را به طبقات دوم و غرفه های نمای خارجی و مناره های ۸ گانه متصل میکند . لازم به تذکر است که این پلکانها همه از پایین شروع نمیشود بلکه فقط دو پلکان زوایای شمالی و پلکان جنوب غربی است که تا انتهای طبقه سوم و مناره ها ادامه میابد. ورودی دو پلکان دیگر در نمای خارجی واقع شده است .

پلکانهای زوایای شمالی به طبقه دوم راه میابد و پلکان سومی بدون اتصال به طبقه دوم به سوی بالا ادامه پیدا میکند . پلکانهای ۸ گانه از طبقه سوم (غرفه های خارجی) ظاهر شده و تا امتداد مناره های ۸ گانه صعود مینماید.

ایوانها :

همانطور که در فوق اشاره شد بر اضلاع ۸ گانه پلان داخلی ۸ ایوان مرتفع و وسیع به ارتفاع ۱۸/۸ و به عرض ۷/۷ متر واقع شده اند . این ایوانها یکنواختی حاصل از وجود جرزهای قطور را از بین برده و باعث شده که بنا زمخت جلوه ننماید . این ایوانها در عمق ۲/۶ و ارتفاع ۹ متری به دو طبقه تقسیم شده است . در طبقه اول یا همکف ورودیهای اصلی و ورودیهای کوچک فرعی به محوطه های عبادتی قرار دارند . ایوان جنوبی متصل به محوطه ای به نام تربت خانه است ایوانهای شرقی و غربی در انتها دارای درهای بزرگ میباشد . درحالی که در انتهای طبقه اول ایوانهای فرعی یک در کوچک وجود دارد . سقف طبقه اول دارای قندیل بندی و مقرنس کاری بسیار جالب و زیبا میباشد. طبقه دوم این بخش به وسیله راهروی پوشیده ای با هم در ارتباط هستند به طوری که میتوان در این طبقه تمامی بنا را دور زد در غرفه های طبقه دوم انواع تزئینات و مقرنسکاریهای ارزنده ای دیده میشود که نشانگر ذوق و سلیقه هنرمندان دوره ایلخانیان میباشد.

در جلو ایوانچه های مشرف به فضای داخلی، نرده های مشبک چوبی شامل گره سازه های استادانه کار گزارده شده است در این طبقه پنجره هایی تعبیه شده است که قسمتی از نور داخل بنا را تامین میکند.

جرزهای ۸ گانه پلان داخلی در ارتفاع تقریباً ۱۹ متری به کمک قوسهای ایوانها به هم متصل شده و یک طرح ۸ ضلعی را به وجود میاورند. در پشت بغلهای طرفین ایوانهای ۸ گانه سفال آبی روشن و تیره به کار رفته و دور طاق با کاشی آبی تزئین گردیده است. این طرح توسط سه ردیف مقرنس کاری ساده و کاربندی به دایره تبدیل شده و طوقه ای را به وجود آورده که باربر میباشد یعنی گنبد بر روی این طوقه قرار میگیرد.

بالای کاربندی های یاد شده و برفراز چهار ایوان اصلی چهار پنجره بزرگ قرار دارد که نه تنها روشنایی داخل بنا را تامین میکند بلکه وسیله ای برای تشخیص زمان نیز بوده است. بدین صورت که اگر نور از سوراخ اصلی به نوک گنبد بتابد هنگام اذان ظهر است و نوری که از پنجره های بزرگ به داخل بتابد حدود ساعت را مشخص میساخته و تابش نور از پنجره های کوچک مبین حدود دقیقه بوده است. گویند در شب نیز با کمک بعضی از ستاره هایی که از این پنجره ها دیده میشوند وقت و زمان مشخص میگشته است.

تزئینات داخل بنا :

شکی نیست که هیچ چیز به اندازه تزئینات نمیتواند رسالت تفکر و ذوق هنرمند را به نمایش گزارد. زیرا اگر فرم بنا برای باستان شناسان و معماران و طراحان جالب باشد ولی برای عامه مردم قابل درک نیست همین تزئینات است که در نگاه اول بیننده را به خود جلب مینماید هرچند اسکلت بنای سلطانیه خود شاهکاری است که عامه مردم را نیز به اعجاب و تحسین و امیدارد این تزئینات شامل گچبریها، مقرنس کاریها، کاشی کاریها، کتیبه ها و خطوط تزئینات اجری متنوع نیز بیانگر توانایی و سلیقه خاص هنرمند است رنگهایی که در تزئینات سلطانیه به کار رفته است از حیث فراوانی و غلظت تا آن وقت بیسابقه بوده در رنگ آمیزیهای دیگر سایه ونقطه چین و نقوش ریز و ظریف به کار نرفته و به جای آن ترکیبهای محکم توده های رنگی دیده میشود. چه در تزئین و چه در پیکره معماری ساختمان خشونت و شدت جای ظرافت را گرفته است.

به طور کلی تزئینات سلطانیه شامل دو دوره است :

دوره اول : مجموعه تزئینات دوره نخستین که بیشتر شامل کاشیکاری و معقلی ها است، مربوط به طرح تبدیل بنا به مزار مطهر امام اول و سوم شیعیان بوده که این تزئینات محتوی طر حهای هندسی، خطوط کوفی با کاشیهای فیروزه ای و طلایی و لاجوردی بوده است.

دوره دوم : تزئینات دوره دوم مربوط به هنگامی است که نقشه انتقال مزار مطهر دو امام به هم خورد. و به دستور سلطان ایلخانی تزئینات قبلی که بیشتر کلمه علی بران

نقش بسته بود ، با پوششی از گچ ، شامل کتیبه ها و طرح های زیبای دیگر حذف گردید.

۵

در مورد تزئینات داخلی و کتیبه های بنا در سالهای اخیر بسیاری از محققین مطالعاتی کرده اند و نظرات گوناگونی ابراز نموده اند. اندره گذار تزئینات دوره دوم را مربوط به زمان صفویه میدانند و مینویسد :

(□) با مشاهده آنچه از آن باقی مانده چنین استنباط میشود که تمام سطح بدنه تالار و گنبد کاشی کاری بوده و نوارهای متعددی از کتیبه ها ، حاشیه های در هم پیچیده گلها و ستاره هایی از کاشیهای منقوش تمام سطح داخلی را میپوشانده است . متأسفانه این بنای با شکوه و زیبا در زمان صفویه و احتمالاً سلطنت شاه اسماعیل و شاه طهماسب اول دستکاری و مرمت شده و داخل بنا را با گچ سفید کرده و تمام ایات قران را بردیوارها حکاکی و نقاشی کرده اند . این پوشش تاسف اور امروز به صورت وصله های کثیف و محقر در آمده است که از خلال شکافهای آن بعضی از قطعات تزئینات قدیمی و کتیبه هایی را که ممکن است بسیاری از نقاط تاریک

تاریخ ساختمان و بانی آن و هنر ایران را در دوره مغول روشن نماید میتوان به دست آورد.

پرفسور سن پائولزی که تحقیقات و مطالعات فراوانی در مورد تزئینات بنای سلطانیه انجام داده به کتیبه ای که دارای تاریخ ۷۲۰ هجری است اشاره کرد و ادعای گذار را مبنی بر این که گچبریها مربوط به زمان صفویه است، عاری از واقعیت میداند.

آزاره های اتاق اصلی به بلندی ۴ متر میباشد که مرکب از کاشی شش گوش لعابی و طرح های ستاره ای شش پر است. در بالای آزاره ایوانهای داخلی، طرح های ممتد و مقطع گیاهی که به صورت شاخه و برگ دیده میشود.

اغلب سطوح دیوار با اجر زرد رنگ به طور معمولی چیده شده و در آن با تزئینات معقلی مرکب از طرحهای مورب پوشیده شده است. در این طرحها که به خط بنایی با ترکیب کاشی ابی و اجر است کلمات الله، محمد و علی نوشته شده است. در ضمن در یک سری تقسیم بندی های هندسی با ایجاد فرمهای متنوع بعضی از شعارهای اسلامی مانند لا اله الا الله و سبحان الله و □ به خط بنایی نوشته شده است. در همین زمینه هم از کلمه علی ترکیبهای پیچیده هندسی عرضه شده است.

در این طرحها از کاشیهای فیروزه ای به اندازه ۵ در ۵ سانتیمتر و اجر ۵ در ۱۵ سانتیمتر استفاده شده است. این نوع تزئین در چهار دهنه بر محورهای فرعی اتاق از کف تا ارتفاع ۷ متر بالای آن به کار برده شده است. در دهانه های اصلی تزئینات مفصلتر است و شامل طرح های هندسی و از اجر تراش و باریکه های سفالی لعابی ابی و ابی تیره و سفال بدون لعاب که به اشکال مخصوص تراشیده میباشد در وسط بعضی از طرح های هندسی از قبیل ستاره ۶ پر یا ۸ پر که از ادغام دو مثلث یا دو مربع ایجاد میشود یک فرم متمرکز به صورت یک یا دو مربع ایجاد میشود یک فرم متمرکز به صورت یک یا چند ضلعی منظم که در بعضی مواقع یک دایره میشود ایجاد شده است .

حاشیه ایوانها مرکب از باریکه های لعابی ابی و سیاه و بدون لعاب است که به صورت گوناگون خود نمایی میکند یا به صورت لوزی و یا ستاره های ۶ پرتو در تو و یا به صورت سفالهای لعابدار ابی فیروزه ای لعابدار با لوزی های لاجوردی.

در دو طرف ایوانها و بر نمای پشت هر دهنه باریکه هایی از کاشی به رنگ ابی روشن و تیره قرار دارد . دهنه های فرعی دارای طاقهای مقرنس کاری شده هستند ۴ دیوار فرعی با تکه های کاشی ابی و اجر قهوه ای روشن مزین گردیده است. بر لچکیهای ۸ ایوان اصلی سفال ابی ورشن و تیره به کار رفته و دور طاق با کاشی فیروزه ای و سفال بدون لعاب تراشیده تزئین گردیده است .

کتیبه ها :

همانطور که در فوق اشاره شد سلطان محمد خدابنده دستور داد که تمام ایات قران را در روی چند ردیف کتیبه در داخل بنای اصلی تهیه و تعبیه نمایند. لیکن در زمان حکومت میران شاه قسمت اعظم این کتیبه ها به وسیله وی از بین رفت فعلا بر بالا و اطراف قوس ایوانها و دور تا دور اتاق کتیبه ای به خط کوفی وجود دارد. عبارات به رنگ سفید در متن لاجوردی میباشد . جرئیات این کتیبه ها روشن نیست . قطعا بعضی از آنها ایات قرانی است. سن پائولزی در هنگام مطالعه خود به تاریخ ۷۲۰ هجری در کتیبه بالای ایوان برخورد نموده و معتقد است که کتیبه تقریبا همزمان با احداث گنبد ساخته شده است .

مقرنس ها :

همچنین در مقرنسکاریهای بالکن های فوقانی ایوان تزئینات بسیار جالب و زیبایی وجود دارد که به گفته سن پائولزی تزئینات فوق قبلا روی زمین به صورت پیش ساخته تهیه میشده یعنی روی یک پارچه کتانیه ملاتی از گچ میکشیدند و بعد انرا بانقشهای دلخواه مزین کرده و با رنگ بنفش تیره رنگ آمیزی کرده و سپس به محل مورد نظر برده به وسیله میخهایی به جدار گنبد متصل میکرده اند .

نمای خارجی:

دیوارهای خارجی بنا در سمت شمال و شرق و غرب دارای تزیینات و نماسازی است و این بنا لاقل از یک سمت یعنی ضلع شرقی بر ابنیه دیگر متصل می‌شده است. وجود علائم جلو خانی که در این سمت قرار گرفته این موضوع را تایید می‌کند در ارتفاع زیر مقرنسها در نمای خارجی و در ۸ جبهه خارج بنا ایوانی سرتاسری اطراف بنا را احاطه کرده است بوسیله در گاههایی درزوایا ۸ وجهی قرار دارند بهم متصل میشوند. در هر ضلع ایوانها بوسیله سه طاق چشم انداز دارد که طاق میانی از دو طاق طرفین بزرگتر و هر سه طاق دارای قوس جناغی میباشد.

در گذشته هر یک از ایوانهای ۸ گانه رابه سه اطاق تبدیل نموده و از برای محل سکونت طلاب استفاده می‌کردند. در تعمیرات اساسی گنبد سلطانیه این دیوارهای الحاقی که سبب سنگین شدن اسکلت بنا شده بود برداشته و انرا به صورت اولیه در آوردند. بر دیوارهای داخلی ایوانها تزییناتی باجر کاری کاذب به چشم می‌خورد که عبارتست از یک قشر گچبری بر روی سطوح اجر کاری.

چنین قشری بر روی سطوحی انجام میگیرد که هیچ گونه دقتی در نازک کاری و یا ظرافتی در نحوه اجر چینی آن ملحوظ نگردیده است. در نتیجه پس از ختم ساختمان بنا به طور ساده و خشن به وسیله یک قشر گچبری آن را نازک کاری و تزئین میگردند. سر تا سر سقف ایوانها با گچبریهایی بی نظیر پوشیده شده است. این گچبری شامل نقوش مختلف رنگ آمیزی جالب می باشد. در اضلاع ۸ گانه دارای طرحهای متنوع و بسیار جالب است.

گذار این تزئینات را به دوره صفوی نسبت داده ولی سن پایولزی با این عقیده موافق نیست و معتقد است که این نحوه تزئین با کاشیهای اطاف قوسها و نیز با علائم گچبری شده بین فواصل اجر ها این هماهنگی و امیختگی با سبکی کاملاً خاص قابل درک است و بنا بر این باید آنها را به دوره مغول نسبت داد نه به صفویه.

در جلو ایوانهای فوق الذکر نرده های زیبایی از سنگ تعبیه شده که با نقوش متفاوت به صورت مشبک تزئین گردیده است. در هریک از دیوارهای داخلی ایوان در مقابل دهانه طاق بزرگ دریچه ای به داخل بنا باز میشود. این دریچه ها به انضمام دریچه ای که در ساقه گنبد قرار گرفته و سوراخی که در راس آن تعبیه شده نه تنها روشنایی داخل را تامین میکرده است بلکه میتوان استنباط کرد که بر اثر تابش نور خورشید از این روزنه ها به درون بنا و انعکاس آنها بر بدنه و کف ساختمان مانند شاخص برای تعیین اوقات مختلف روز استفاده میکرده اند. به طور کلی تعبیه این نوع ایوانها که در قسمت فوقانی بنا و در زیر گنبد قرار گرفته بعد ها در بنا های مهم دیگر مانند بقعه خواجه ربیع و بنای قدمگاه در خراسان و تاج محل در هندوستان مورد تقلید واقع شد. در اضلاع هشت گانه ورودی پلکانهای مارپیچ منار و بام قرار گرفته است.

در پشت بغل های طاقهای سه گانه نمای خارجی کاشیکاری فیروزه ای بسیار جالبی به چشم میخورد. در پیشانی انتهای بنا به وسیله کاشیکاری بسیار عظیم و زیبایی به رنگ ابی سیر خاتمه می یابد. کاشیکاری مزبور که به رنگ ابی و سفید است. از قسمتهای جلو آمده و معلق تشکیل شده که دارای یک سری مقرنس کاری کوچک بوده که به طور معلق به لبه انتهایی اویزان میباشد.

گنبد:

بر فراز بنای سلطانیه و بر روی گردنی مرتفع گنبد عظیم و کشیده سبویی شکل با اهمیت خاصی بر افراشته شده است. قطر گنبد ۲۶ متر و ارتفاع آن تا کف ۵۲ متر میباشد. پایه داخلی گنبد بر روی پلان دایره ای شکل که از پیش آمدگی تدریجی طرح هشت گوش بالای اتاق به وجود آمده قرار دارد و ضخامت آن ۱ متر میباشد. علاوه بر ترکیب خاص و جالب توجه اسکلت بنا و طرح و فرم کم نظیری که این بنا دارد یک مساله بیش از هر چیزی توجه معماران و

باستان شناسان و مهندسين را به خود جلب نموده و ان سيستم دو جداره يا دو گوشه بودن ان است که در دنيا بی نظير است.

۱۵

گنبد دارای مقطعی تخم مرغی شکل است که در طرح و ساخت ان ابداعاتی به کار رفته است که به نوبه خود حائز اهمیت فراوان است . : از جمله بار وارده از سقف و گنبد در این بنا بر روی تکیه گاههای محدودی وارد میشود . ضمناً خود گنبد بدون هیچ گونه پشت بند یا نشانه یا وسیله تقویت کناری دیگری ساخته شده و ضخامت ان نیز از قاعده به طرف تارک تغییر میکند . این تغییر ضخامت که از لحاظ فنی و مهندسی برای افزایش استقامت و نیز سبکی گنبد ضروری است نمایش دهنده درک حس سازندگان ان از اصول استاتیک پوسته ها و رفتار مکانیکی آنها بوده است.

پوشش خارجی فقط به وسیله پره و دندانهای به پوشش اصلی و داخل گنبد متصل شده است و بدین طریق حفره ای میان دو جدار به وجود آمده است . تغییر ضخامت و کم شدن ان از پایین به بالای گنبد الزاماً از لحاظ ساختمانی فرم پله پله ای را در سطح خارجی ان به وجود آورده است. مع هذا برای این که معمار منظره زشت ان را نشان ندهد با یک قشر اجر چینی ساده که فقط سنگینی بار کاشیکاری را تحمل میکرده است بر روی این پله ها ساخته و ان را صاف نموده است. بدین طریق دو پوسته جدا گانه بوجود آورده و گنبد سلطانیه را در ردیف گنبد های دو پوسته قرار داده است و با این فرق که سطح خارجی دو پوسته اصلی در گنبد سلطانیه با هم موازی هستند و

این تنها بنایی در اسیا است که دارای گنبد های چنین فرمی میباشد ناگفته نماند فاصله بین دو جدار ۶۰ سانتیمتر است و ضخامت گنبد ۱/۴ میباشد. در مورد دو پوشه بودن گنبد سلطانیه تا کنون نظریات گوناگونی ابراز شده و اختلاف نظرهای بسیاری وجود داشته است.

پروفسور پیرو سن پائولزی در جلد اول گزارشات خود در باره این گنبد مینویسد :

(□ نسبت به چگونگی و فرم گنبد که به طور یقین و اشتباه

نا پذیر دو جداره بوده است تاکنون گفتگوی بسیار شده است و در مقابل کسانی که معتقد به دو جداره بودن گنبد هستند برخی دیگر برعکس آن را یک پارچه قلمداد مینمایند . از گروه اول میتوان پوپ و گدار را نام برد . دو نفر اخیر معتقد بودند که اسکلت بنای گنبد ضمن دارا بودن اتصالات اجر کاری فوق الذکر و پشت بند به وسیله یک سری تیرهای چوبی که وظیفه ارمانور و کش را ایفا میکردند به هم متصل بوده . با تحقیقاتی که به وسیله ما به عمل آمده فرضیه دیولافوا مبتنی بر این که : گنبد مذکور دارای ساختمانی با سیستم دو جداره بوده ثابت میگردد .

سن پائولزی در پایان چنین نظر میدهد :

(□ باید خاطر نشان ساخت که گنبد سلطانیه بزرگترین

گنبدی است که در تمام خاک ایران به جا مانده است. این گنبد فقط کمی از ابعاد گنبد بزرگ مسجد ایاصوفیه در استانبول کوچکتر است و تا قبل از ساختمان گنبد معروف برونلسکی بر روی کلیسای سانتاماریا در شهر فلورانس گنبد های پانتئون و سپس ایاصوفیه و پس از این دو گنبد سلطانیه بزرگترین و عظیم ترین گنبد های جهان بوده اند و بنا براین از بنا های برجسته و با اهمیت بوده که در آن زمان بنا گردیده است.)

یکی از خصوصیات اصلی و منحصر به فرد در گنبد سلطانیه دو جداره بودن آن است که از دو قشر موازی و مجزا که صرفاً با پشت بندهای اجری بین خود به هم مربوط بوده و همچنین فرم واحدی را شامل میشوند تشکیل شده است و این تنها نمونه در مورد گنبدهایی با وضع ساختمانی فوق الذکر محسوب میشود و نمیتوان نمونه ای با وضع ساختمانی فوق الذکر در دنیا یافت که متعلق به قبل از بنای مزبور باشد. و از این رو گنبد فوق اهمیت شایانی را در تاریخ معماری دنیا دارا است. به طوری که مدتها بعد از ساختمان گنبد سلطانیه چه در غرب و چه در شرق رفته رفته اثری با خصوصیات تکنیکی فوق به وجود میاید. از جمله مهمترین اثری که به تقلید از گنبد سلطانیه احداث شده گنبد کلیسای سانتاماریا دلفیوره میباشد که بیش از صد سال بعد از آن ساخته شده است.

تمامی سطح گنبد مستور از کاشی فیروزه ای رنگ بوده و قسمت تحتانی یعنی گردن گنبد با خطوط کوفی مربع که حاوی عبارتهای الله و محمد و □ است و تزئینات آن نمادی از اجر کاری با استعمال کاشی فیروزه ای که تماس رنگ روشن فیروزه ای را با ابی پر رنگ گیلویی بزرگ مقرنس ارزش خاصی از لحاظ تاریک و روشن بودن در بر دازد.

اثار این کاشیکاری تا زمان ناصرالدین شاه یعنی تقریباً یک قرن پیش باقی مانده بود لیکن از این زمان به بعد مورد غارت و تاراج بلهوسان قرار گرفت در طول یک قرن از گنبد نیلگون بنای سلطانیه جز انبوهی اجز چیزی نماند.

مناره ها :

وجود ۸ منار در هشت زاویه بنا که گنبد را در میان گرفته اند ابهت دیگری به آرامگاه داده است. منارها عموماً باریک و به قطر تقریبی یک متر و به ارتفاع $\frac{3}{5}$ متر بوده که قسمت اعظم آن به مرور زمان منهدم گشته است. داخل بنا پلکانهای مارپیچی به عرض ۷۰ سانتیمتر قرار دارد که به حول محوری به قطر ۲۰ سانتیمتر میپیچد و تا انتهای بنا ادامه پیدا میکند. بدنه منارها با ترکیبی از اجر و کاشی به شیوه معقلی با عبارات الله ، محمد و علی تزئین شده است . از ۸ منار برای پخش اذان به طور یکنواخت در تمام شهر به وسیله چند موذن استفاده میشده است ضمناً طبق نظر باستانشناسان این مناره ها فشار گنبد بر پایه ها با نیز عموداً خنثی میکرده است.

تربت خانه :

تربت خانه در همان سالهایی که سلطان محمد خدا بنده تصمیم گرفت که آرامگاه خود را به ائمه اطهار اختصاص دهد ساخته شد .

غرض از ساختن این قسمت این بود که آرامگاه خود را در جوار حرم مطهر قرار دهد . تربت خانه که از سه محوطه تو در تو تشکیل شده در جبهه جنوبی بنای گنبد سلطانیه قرار دارد بطوریکه یکی از اضلاع ۸ گانه خارجی بنا را اشغال نموده است . محوطه وسط تربت خانه به شکل مربع به اضلاع $7/8$ متر است که در دو جبهه شمالی و جنوبی آن دو درگاه واقع شده است . جبهه شمالی به محوطه زیر گنبد راه دارد . در دو جبهه شرقی و غربی نیز دو محوطه به اضلاع $5/57$ در $4/58$ واقع شده اند . مجموعه این سه محوطه یک اتاق بزرگ سرتاسری را تشکیل میدهد . در قسمت جنوب بخش وسطی دیوار دارای فرورفتگی ۸ ضلعی است که محراب در دوره های بعد ساخته شده باشد . مطلبی که این ادعا را ثابت میکند وجود پنجرههایی است در جبهه جنوبی ۸ ضلعی . این پنجره ها نیمی در داخل گنبد محراب غرق گردیده و این نشان آنست که در مرحله اول تربت خانه با پنجره های باریک و بلند آزاد بوده ولی در مرحله بعدی دیوار و گنبد محراب روی قسمتی از آن راپوشانده است . این محراب دارای گچبریهای زیبا بوده و در اطراف آن آیاتی از قران با خطوط برجسته نوشته شده است .

در سال ۱۳۲۸ شمسی ضمن خاکبرداری از تربت خانه در بالای آزاره دور تا دور این بنا که محل اجساد پادشاهان و بزرگان مغول بود یک رشته کاشیهای طلایی ۸ گوش با نقوش هندسی که متن آن با رنگهای آبی آسمانی و فیروزه‌های و سبز بسیار عالی و زیبا تزئین شده بود کشف گردید . این کاشیها که از لحاظ هنر کاشی کاری منحصر به فرد و نمونه آن در هیچ یک از بناهای تاریخی به دست نیامده است امروزه در موزه ایران باستان حفاظت میشود . سقف تربت خانه دارای گنبدی کم خیز بوده که بعد ها فرو ریخته و سپس تعمیر شده است . در این قسمت سردابی وجود دارد که به احتمال قوی آرامگاه سلطان محمد خدابنده است . بعضی محل آرامگاه را در زیر گنبد نوشته اند و عده دیگری معتقد هستند که مقبره در نزدیکی و متصل به مسجد است . بین تربت خانه و محوطه زیر گنبد پنجره بزرگی از مس مطلا قرار داشت که به مرور زمان از بین رفته و یا به غارت برده شده است .

محمد حسن خان صنیع الدوله از قول اولیا رئوس در باره این پنجره عظیم مینویسد :
(□ طوری الات این پنجره را به هم وصل کرده بودند که یکپارچه به نظر میامد . و مدت هفت سال صنعتگران متعدد روی آن سردر و پنجره کار کرده بودند .)

تاثیر معماری گنبد سلطانیه بر گنبد سانتا ماریا دلفیوره :

در بررسی معماری گنبد سلطانیه این نکته ضروری است که این بنا در دوره های بعد الگویی برای معماران ایرانی گردید. تاثیر این گنبد را نه تنها در معماری بعضی از بنا های تاریخی ایران میتوان مشاهده نمود بلکه حتی برخی باستان شناسان نیز بر این عقیده هستند که طرح گنبد سلطانیه و معماری آن پا از مرزها فراتر نهاده و بر بنایی چون گنبد سانتا ماریا دلفیوره در شهر فلورانس نیز تاثیر گزارده است.

نظریه پروفیسور سن پائولزی در این مورد چنین است :

(□ و با این که ما از ترکیب ساختمانی گنبد کلیسای سانتا ماریا دلفیوره بی اطلاع هستیم مع ذالک مطمئن هستیم که گنبدی را که بیش از ۱۰۰ سال بعد یعنی سال ۱۴۱۸ و ۱۴۱۹ توسط برونلسکی و گیبرتی بر روی کلیسا زده شده است از فرم و نحوه ساختمانی گنبد سلطانیه متاثر گردیده است. چون گنبد سلطانیه تنها نمونه گنبد دو جداره موازی است که این جانب در تمامی آسیا میشناسم. بنا براین اثر آن بر روی تنها گنبد اروپایی از این نوع یعنی گنبد برونلسکی انکار ناپذیر است.)

سن پائولزی در بخش دیگری از نوشته های خود وجه تشابهات دو بنا را یاد اوری میکند.

حفاری اطراف گنبد سلطانیه :

در حفاری که در سالهای ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ در اطراف گنبد سلطانیه صورت گرفت در نتیجه تعدادی دیوار سنگی و اجری با ملات گچ به دست آمد مرکب از چندین اتاق و یک حیاط با دیوار های سنگی که از سنگ سبز رنگ تشکیل یافته است. همچنین دو دیوار متصل به بنا کشف گردیده که احتمال میرود پایه اصلی مسجدی باشد که همزمان با گنبد سلطانیه ساخته شده بود.

در یکی از اتاقهای مکشوفه مقادیر زیادی کاشی کشف گردید که تعدادی از آنها بر دیوار چسبانده شده بود و این نشانگر این امر است که دیوارهای این اتاق پوشیده از کاشی بوده است.

همچنین در قسمت جنوب تربت خانه در فاصله ۳۰ متری آن و ۴۵ متری دیوار اصلی گنبد ضمن کاوش دیوار عظیم سنگی کشف گردید که با سنگهای سبز رنگ حجاری شده ، ساخته شده است. تعدادی کاشیهای ستاره ای شکل بدست آمده که یکی از آنها به رنگ فیروزه ای و با نقوش زرین و بقیه آنها قهوه ای رنگ هستند که نقوش انسان ، حیوان ، پرنده و گیاه به طور ناقص روی آن نقش بسته است و ضمناً چند عدد ظرف سفالی مربوط به دوره ایلخانیان و صفویه و قاجاریه به طور شکسته و ناقص به دست آمده و همچنین قطعات گچبری در قسمتهای مختلف کشف گردیده است.

بنا های مهم دیگر ساخته شده در سلطانیه :

مقبره چلبی اوغلو

سلطان محمد خدا بنده در زمان پادشاهیش در شهر سلطانیه فرمان داد تاهریک از بزرگان و رجال برجسته محلّهای به نام خود که دارای مسجد ، خانقاه ، دارالتربیه و دارالشفای (بیمارستان) و دارالضیافه (مهمانسرا) باشد ساخته شود . این کار به سرعت صورت عمل به خود گرفت و محلّهای ابرومند و زیبائی که دارای همه گونه وسایل رفاهی بود فراهم شده ، منجمله چلبی اوغلو که یکی ازوزرا مغولی شاه بود محلّهای در

نزدیکی آرامگاه سلطان محمد خدابنده در نظر گرفت منجمله مقبره ای برای خود ساخت .

امروزه باقیمانده مقبره چلبی اغلو و عمارت مخروبه خانقاه در مغرب سلطانیه و در امتداد جاده اصلی خود نمائی میکند .

مقبره مزبور که در قرن ۸ ساخته شده است شامل بنای ۸ ضلعی با یک گنبد یک پوش می باشد که هیچ رابطهای با خانقاه که در چند متری آن است ندارد. مقبره چلبی اغلو بنای ۸ گوشه زیبائی به اضلاع ۴/۵ متر میباشد که در نهایت سادگی و استحکام ساخته شده است .

ارتفاع مقبره چلبی اوغلو ۱۶ متر و ارتفاع گنبد ۶ متر است که پایه های آن از سه ردیف سنگ سبز تراش تشکیل یافته و بقیه بنا با اجرهای ظریف و با دقت و ذوق فراوان ساخته شده است.

دورنمای کلی مقبره چلبی اوغلو

تزیینات نمای خارجی عبارت است از طاقنماهای ظریف و زیبا با طاق نوک تیز در اضلاع ۷ گانه که در ضلع شمالی یا ضلع هشتم مقبره این طاق نما گود تر و به سبک سردر رفیع و بسیار جالبی تبدیل شده است. از ویژگی های این طاق نما این است که علاوه بر استحکام جز ۸ گانه ، این عنصر در سطوح مختلف جرزها ایجاد سایه روشن کرده و آنها را از یک نواختی کسل کننده درمی آورد .

راه ورود به مقبره از همین سردر است. این قسمت دارای دری با قابهای مارپیچ شکل بوده که بر اثر مرور زمان از بین رفته است.

به طور کلی تا ۲/۵ متری بالای پایه اجرچینی پر کاری و دارای طرح جالبی است که سپس به اجر چینی معمولی تبدیل میشود. اجرهای به کار رفته در نمای خارجی به ابعاد ۵ در ۲۰ سانتیمتر و به رنگ زرد میباشد. در قسمت پائین اجراها یک در میان دارای سوراخهای ریز سفالی است که در آنها از اسامی مقدس کنده شده است.

محوطه داخلی مقبره شامل اتاق ۸ گوش ساده‌ای به اضلاع ۳/۷۵ متر می باشد. دیوارها کاملاً ساده و در میان هر ضلع آن در گاه و طاقچه بلندی به ضلع ۱/۷۵ متر و ارتفاع ۳ متر به چشم می خورد. دیوارهای داخلی اضلاع مقبره از یک قشر گچ پوشیده شده است.

ضمن کاوشهایی که در مقبره جهت دستیابی به کف اصلی بنا صورت گرفت در کف اتاق یک سرداب بزرگ مشاهده گردید و مشخص شد که مقبره دارای ۳ قسمت بیرونی و میانی و درونی است.

قسمت بیرونی: به شکل استوانه تو خالی با خشت وملات گل ساخته شده است

قسمت میانی: از قلوه سنگ با ملات گچ به شکل مکعب مستطیل است.

قسمت درونی: در این قسمت قبر اصلی واقع شده که به شکل مستطیل به ابعاد ۰/۹۵ در ۲ و عمق ۱/۲۰ متر میباشد به نظر میرسد که این مقبره به دلیل پنهان بودن قبر اصلی بدین شکل ساخته شده است.

طاقنماهای اضلاع داخلی در زیر گنبد زیر گنبد به ۱۶ ضلع تبدیل شده سپس دایره پایه گنبد بر روی آن قرار گرفته است. نور گیری در بالای ترنیه ها و در حقیقت بر گریو گنبد تعبیه شده که نور داخل بقعه را تامین میکند. سطح خارجی گنبد با اجرهای ۴۵ سانتیمتری ساخته شده و با یک قشر اجر پوشیده شده است.

در ضلع شمالی مقبره و به فاصله چند متر بنای مخروطی ای مرکب از ایوان و طاقنما به چشم میخورد که از سنگ پاره ساخته شده است و در فضای باز قرار دارد.

یک قسمت جزئی خانقاه که خوب باقیمانده سر در کوچکی از سنگ صاف است و بین سنگها نیز بند کشی شده است. این نوع معماری از سنگتراش مخصوص آسیای صغیر در این دوره تقلید شده است.

حیاط مقبره دارای دو در بوده یکی در قسمت جنوبی و دیگری در منتهی الیه دیوار شرقی قرار گرفته که در دوره های بعد به وسیله سنگهای نا منظم و بدون ملات این

درها مسدود شده بودند . در قسمت داخلی خانقاه هنگام حفاری مقادیری تزئینات گچبری مسجد تربت جام می باشد . ضمناً مقداری کاشی لعاب دار با نقوش قلم مشکی و طلاکاری شده در رنگهای مختلف فیروزه ای و لاجوردی وزرین در دو اتاق مکشوفه کشف گردید.

نمایی از بدنه خارجی مقبره:

۳۱

مقبره ملا حسن کاشی

مقبره ملا حسن در مغرب سلطانیه و در ۳ کیلومتری آن قرار دارد که احتمالاً در دوران سلطنت سلطان محمد خدا بنده یا به طور کلی در دوران مغول جزو پایتخت

یعنی سلطانیه بوده است. عدهای آنرا از بناهای دوره صفویه می دانند و عده ای نیز آنرا به اوایل قرن ۸ است.

مقبره ملا حسن کاشی به شکل کثیرالاضلاع ۸ ضلعی است که ۴ ضلع بزرگ آن به طول ۸/۳۰ متر و ۴ ضلع کوچک به طول ۵/۷۵ متر است. اضلاع بزرگتر دارای ایوانهای وسیع با طاق جالب و اضلاع کوچک دارای ایوانی دو طبقه که با ساختن طاقهای کوتاهتری به وجود آمده است. به وسیله دو پلکانی که از ایوان بزرگ شرق و غرب آغاز می شود می توان به ایوانهای فوقانی رفت.

اضلاع ۸ گانه به وسیله راهروی کوچکی با طاقی کوتاه به طول و عرض ۱/۵ در ۰/۷۵ متر به هم متصل می شود. دهنه ایوانهای بزرگ ۴/۵ متر و دهنه ایوانهای کوچک ۳/۵ می باشد و قریب ۰/۵ متر از سطح دشت بلندتر است. قسمت داخلی مقبره به شکل مربع به ضلع تقریباً ۶ متر است که در ۴ طرف توسط ۴ درگاه بزرگ به ایوانها ارتباط پیدا می کند.

در ساختن داخل گنبد ظرافت خارق العادهای به کار رفته است و گچبری های جالبی شامل مقرنس های گچی و شمشه هائی به رنگ قرمز بسیار زیبا سطح داخل گنبد را پوشانده است.

پلان مقبره ملاحسن کاشی

دورنمای کلی مقبره ملا حسن کاشی

مقبره ملا حسن دارای گنبد شلجمی سه پوش است. گنبد داخلی که دارای تزئینات گچبری است به وسیله تیرهای چوبی به گنبد میانی وصل گردیده است. گنبد به ضخامت یک اجر ساخته شده است.

گنبد سو یا گنبد خارجی که دارای فرم بسیار زیبایی است دو گنبد زیرین را می پوشاند.

گنبد شامل معقلی های پرکاری در گریو گنبد و کاشیکاری فیروزه ای و بسیار ارزنده است.

در حفاری داخل مقبره محوطه های با دیوارهای سنگی منظم پیدا شد که در داخل آن قبر مستطیل شکلی به ابعاد ۳/۸۰ در ۳/۹۰ متر کشف شد که سه قسمت شمال و شرق و غرب با سنگ های سبز رنگ حجاری شده بنا گردیده است. با وجودیکه از لحاظ طرح ساختمانی مقبره منحصر به فرد می باشد. معذالک از لحاظ تزئینات خیلی غنی نبوده است.

در فاصله ۱۰۰ قدمی این مقبره با قیمانده بنای جالبی با تزئینات معقلی زیبا به چشم می خورد که به گفته اهالی محل مجموعه خانه ملا حسن و خانقاه او بوده است. ولی آنچه مسلم است این لست که بنای مخروبه فوقالذکر سر در ورودی بنا بوده است و به طور کلی چنین به نظر می رسد که خانقاه و مقبره قسمتی از باغ بزرگ و عمارات دیگر بوده است.

این سر در دارای طاق نسبتا بلندی می باشد که به وسیله پا باریکها به وجود آمده است. پشت بغلهای این سر در دارای تزئینات معقلی مرکب از کاشیهای کوچک زرد، فیروزه های و مشکی در متن اجر است.

در حفاریهائی که در محوطه بیرون مقبره ملا حسن کاشی صورت گرفته است خیابان سنگ فرش ظاهر گردید که طول آن ۹۵/۵۰ متر و عرض آن ۵ متر می باشد که

قبلا با سنگهای قلوهای مغروش گردیده است. این خیابان سر در بزرگ محوطه را به مقبره ملا حسن متصل می سازد.

۲۴

مقرنس کاری زیر گنبد مقبره ملا حسن کاشی

تپه نور

یکی از مهمترین اثار سلطانیه تپه بزرگی است که در ۱۵۰۰ متری جنوب شرقی گنبد سلطانیه واقع شده است. از انجا که این تپه به طور غیر مستقیم با گنبد سلطانیه دارای ارتباطی می باشد که به طور خلاصه از ان یاد می کنیم:

مقطع عرضی تپه تقریبا مربع شکل است که هر ضلع ان ۱۲۰ متر میباشد و ارتفاع ان به ۱۵ متر می رسد.

در حفاری دامنه شرقی اثار دیوارهای سنگی مشاهده شد که نشان می داد که در ان یک بنای ۱۲ ضلعی بوده است. به احتمال قوی این بنا بقایای کاخی بوده است که در زمان فتحلیشاه قاجار ساخته شده و از مصالح و کاشیهای گنبد سلطانیه در ان استفاده کرده بودند.

هر ضلع این بنای ۱۲ ضلعی ۴/۸ متر ودر بین زوایای ۱۲ گانه نیز نیمه ستونهای تزینی دیده میشود. ضمنا بدنه خارجی دو نیمه ستون جبهه شمالی را فرو رفته و مقعر ترتیب داده اند و با آثار آجری که بر روی بعضی از نیم ستونها باقی مانده است.

به نظر میرسد که در روی این نیمستونها گلدسته های آجری شبیه گنبد سلطانیه وجود داشته است.

گنبد ویران شده و راهروها و پله های داخلی عموماً از اجر ساخته شده اند. تزئینات این بنا شامل اجر همراه با کاشیهای فیروزه ای وابی گلدار با طرحهای ستاره چهار پر و کاشیهای کوچک چند پهلو است.

دورنمای تپه نور

پلان کاخی که در
دوران فتحعلی شاه
ساخته شده است.